

## مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۸۴/۱۲/۶

تاریخ تأیید: ۸۴/۱۲/۱۴

شریف لکزایی \*

در نوشته حاضر، مناسبات آزادی و امنیت بررسی شده است. از این رو، سه نگره مطرح شده است: تقدم امنیت بر آزادی، تقدم آزادی بر امنیت و تعامل آزادی و امنیت. نویسنده مقاله مدعای خود را بر نگره سوم استوار ساخته و به این بحث در اندیشه سیاسی امام خمینی؛ پرداخته است. از این رو بر این باور است که در نگاه امام خمینی، مناسبات آزادی و امنیت، از سنخ تعاملی و تأثیر و تأثری است. در یک سویه، آزادی، در تأمین و تضمین امنیت مساعدت می‌کند و در سویه مقابل، امنیت نیز فضا و گونه‌های گسترده تحقق آزادی را برای افراد و نهادها بسط و گسترش می‌دهد. تفصیل مباحث را به همراه مستندات در ادامه می‌خوانید.

واژه‌های کلیدی: آزادی، امنیت، امام خمینی علیه السلام، اندیشه سیاسی اسلام.

## نگره‌ها در مناسبات آزادی و امنیت

برخورداری از امنیت و آزادی، حق مردم یک جامعه است اما مناسبات آزادی و امنیت چگونه است؟ به طور کلی سه نگره طرح شده است:

**برداشت نخست**، یک تلقی سنتی که به تقدم امنیت می‌اندیشد و امنیت را در مقابل آزادی تعریف می‌کند. در این جا حوزه آزادی‌ها با محدودیت‌های امنیتی محدود و حتی تهدید می‌شود. نظریه نهادگرایی هویتی نیز در همین برداشت تحلیل پذیر است. نهادگرایی هویتی معطوف به تقدم نظم و امنیت بر آزادی است... نهادگرایی هویتی معطوف به نظم امنیتی است و نظم سیاسی را به منزله یک هدف، مفروض می‌گیرد. این هدف به وسیله دولت تأمین می‌شود و از این رو نهاد دولت، اهمیت فراوان یافته است و بر گروه و فرد اولویت و ارجحیت می‌یابد.<sup>۱</sup>

به غیر از تلقی سنتی، که معتقد به تقدم امنیت بر سایر ارزش هاست، می‌توان از نگرش سوسیالیستی و مارکسیستی نیز در ادامه این دیدگاه یاد کرد. باید گفت در این تلقی‌ها نیز ارزش برتر، آزادی نیست، اگرچه عدالت در آن رنگ و لعاب بیشتری دارد اما نظم و امنیت بر صدر می‌نشیند. از این رو می‌توان گفت که چنین دیدگاهی نیز در کنار نگره‌هایی قرار می‌گیرد که قائل به تقدم امنیت بر آزادی هستند.

**برداشت دوم**، معتقد به تقدم آزادی بر نظم و امنیت است. از این دیدگاه با عنوان نهادگرایی حقانیتی نیز یاد شده است. بر مبنای این تلقی، از آن رو که قدرت می‌تواند فاسد کننده باشد، باید نوعی سازوکار در نهاد دولت ایجاد شود تا انباشت قدرت نتواند تهدیدی متوجه حقوق اساسی مردم و به ویژه آزادی‌های آنها نماید. در این دیدگاه، بر خلاف دیدگاه پیشین، این مفروض نهفته است که امنیت و قدرت می‌بایست در خدمت جامعه باشد و نه در خدمت حاکمان و صاحبان قدرت.<sup>۲</sup> بنابراین، آزادی نه تنها مخل امنیت در جامعه نیست، بلکه ارزشی برتر از امنیت است.

شاید به نظر آید که با توجه به ارزش‌های موجود در مکتب لیبرالیسم، این مکتب در شمار قائلان برجسته این نگرش به شمار می‌رود. این برداشت تا حدی درست است، اما در مقابل با مطالعه برخی از مهم‌ترین نظام‌های سیاسی متخذ از این مکتب و به ویژه لیبرال-دموکراسی‌های موجود در دنیا و در رأس آن ایالات متحده آمریکا، امروزه نمی‌توان این نگره را به آنان منتسب کرد.<sup>۳</sup>

تأمل در آن چه پس از حوادث یازدهم سپتامبر در آمریکا گذشته است و اکنون نیز در حال جریان است، نشان می‌دهد نهادهای قانون‌گذار در ایالات متحده آمریکا با وضع قوانین مختلف از ایده تقدم امنیت بر آزادی حمایت و دفاع کرده‌اند. مهم‌ترین لایحه امنیتی که به تصویب کنگره آمریکا رسیده و محیط آزادی‌های مدنی این کشور را به طور اساسی تغییر داده، قانون معروف به «قانون وطن پرست»

یا «قانون وطن دوست» ممالک متحده امریکا\* است که به فاصله یک ماه از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (بیست شهریور ۱۳۸۰) از طرف مجلس نمایندگان و مجلس سنای آمریکا به اتفاق آرا به تصویب رسید. این قانون، دست رئیس جمهور و نهادهای امنیتی را در انجام برخی امور، چنان باز گذارده است که از نشانه‌های بارز اخلال در آزادی‌های مدنی و قانونی مردم و تقدم امنیت بر آزادی است.<sup>۴</sup>

برداشت سوم، در رابطه میان امنیت و آزادی به نوعی تعامل می‌اندیشد و به گونه‌ای بروز و تأمین هر یک مبتنی بر دیگری است. از این رو در فقدان امنیت، از آزادی اثری نیست و در غیاب آزادی، امنیتی وجود نخواهد داشت. اساساً امنیت برای تضمین و تأمین آزادی‌های اساسی و مشروع انسان است. بنابراین در این رویکرد تقدم امنیت بر آزادی و بالعکس نفی و بر تعامل آن دو تأکید می‌شود. در این برداشت بدون این که اهمیت یکی از آن دو کاهش یابد، افراد و گروه‌ها برای آن که از حد معقولی از آزادی بهره ببرند، از بخشی از آزادی‌های خود چشم‌پوشی می‌کنند و در مقابل از امنیت برخوردار می‌شوند تا در چنین فضایی به فعالیت‌های آزادانه خود بپردازند.

در این دیدگاه مفاهیم آزادی و امنیت با یک دیگر در ارتباط هستند. از این رو اگر آزادی، با حضور امنیت همراه نباشد، قابل استفاده نیست، زیرا در یک فضای امن می‌توان به آزادی هم دست یافت. در طرف دیگر، اگر امنیت هم فاقد حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی باشد، نمی‌توان از امنیت سخن گفت. زیرا فقدان عنصر امنیت در جامعه، می‌تواند مساوی با حضور استبداد و دیکتاتوری باشد تا امنیتی که در آن بتوان از آزادی برخوردار شد.<sup>۵</sup>

رابطه آزادی و امنیت در آرای امام خمینی، از نوع برداشت سوم یعنی تعاملی و تأثیر و تأثری است. بحث امنیت در مباحث امام خمینی، افزون بر استفاده از واژه امنیت، با واژه‌های مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله از فقدان تحمیل، زور و خشونت، رعب و ترس، حفظ جان و مال و... از این رو صرفاً نباید در پی دانش واژه امنیت بود. نوشته حاضر نخستین نوشته‌ای است که به بحث رابطه امنیت و آزادی در آرای امام خمینی می‌پردازد.

آزادی بر دیگر مفاهیم فلسفی و سیاسی تقدم رتبی دارد. در واقع انسان به دلیل این که آزاد به دنیا می‌آید و به صورت تکوینی از سوی خداوند آزادی در نهاد او به ودیعه نهاده شده است، همواره از آزادی برخوردار است. بحث‌های مربوط به نسبت سنجی میان آزادی و امنیت و سایر مفاهیم مشابه، پس از این مرحله رخ می‌دهد. مفروض نگارنده در این بحث تقدم رتبی آزادی بر سایر مفاهیم فلسفی و



سیاسی است. مباحثه و نسبت سنجی میان آزادی و سایر مفاهیم، پس از این مرحله انجام می‌گیرد.<sup>۶</sup>

## چیستی آزادی

این پرسش مطرح است که چرا تاکنون بشر به یک برداشت و تفسیر واحد و مورد اجماع از آزادی دست نیافته است و تلقی‌های گوناگونی از آزادی رواج دارد. به نوشته آیزایا برلین:

در تاریخ بشر همه اخلاقیون آزادی را ستوده‌اند. اما معنی آزادی نیز مانند کلمات خوشبختی، خوبی، طبیعت و حقیقت به قدری کشدار است که با هر گونه تفسیری جور در می‌آید.<sup>۷</sup>

وی می‌نویسد، نویسندگان تاریخ عقاید، بیش از دویست تعریف برای این واژه ضبط کرده‌اند. تعدد مکتوبات موجود درباره آزادی واقعیتی انکارناپذیر است. تکثر و گستردگی بحث آزادی و فقدان اتفاق جمعی بر مفهوم واحد و فضاهای یک‌سان از انواع آزادی به این سبب است که: نخست، افرادی که به این بحث وارد شده‌اند دارای اندیشه‌ها و عقاید متفاوتی بوده‌اند و هر کدام نیز با توجه به پیش فرض‌ها و مسلک و مرام خویش به یک تلقی از این موضوع دست یافته است. در این صورت، تفاوت‌ها محسوس و صورت آشکاری به خود می‌گیرد.

دیگر این که، این اختلاف با توجه به شرایط و نیازهای زمان حادث شده است و فضای عمومی و مسائل سیاسی و قدرت حاکمان در فقدان توافق جمعی اندیشوران و اتخاذ موضعی متفاوت با دیگران بی‌تأثیر نبوده است. از جمله عوامل دیگر می‌توان به سوء استفاده از آزادی اشاره کرد که طالبان فهم حقیقی آزادی را گمراه کرده است. نکته قابل تأمل در بحث حاضر این است که ابهام در معنای آزادی می‌تواند تأمین و تضمین آن را با دشواری همراه سازد. از این رو در بحث مناسبات آزادی و امنیت نیز آشکار می‌شود.

اگرچه مفهوم آزادی همواره پر ابهام و رازآلود بوده است، اما آزادی همواره خواستی همگانی بوده است. پس از پیروزی انقلاب، در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بازتاب یافته و مهم‌تر این که در اسلام نیز مورد تأکید واقع شده است.<sup>۸</sup> با این وصف، تحلیل آرای امام خمینی در باب مسئله آزادی و امنیت، از منظر فقیه، عارف و فیلسوفی که به تأسیس حکومت در عصر حاضر مبادرت ورزید، اهمیت و ضرورت می‌یابد.

به رغم تنوع و تکثر برداشت‌ها از مفهوم آزادی و با توجه به ابهام معنایی این مفهوم، امام خمینی معتقد است آزادی مسئله‌ای بدیهی و بی‌نیاز از تعریف است. این رویکرد با توجه به خاستگاه آزادی در نزد اندیشوران مسلمان قابل تحلیل است، زیرا آنان آزادی را ودیعه‌ای الهی می‌دانند که خداوند آن

را در نهاد هر انسانی به امانت گزارده است. در بحث مفهوم آزادی می توان به دو جنبه سلبی و ایجابی در اندیشه امام خمینی اشاره کرد. ایشان در تعریف آزادی می گوید:

آزادی یک مسئله نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزامشان نمی کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام به شما نمی کند که حتماً باید این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزامتان نمی کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آن جا چه شغلی انتخاب کنی. آزادی یک چیز واضحی است.<sup>۹</sup>

این سخن امام، علاوه بر این که آزادی را مسئله ای واضح و روشن ارزیابی می کند، از سویی مصادیق گسترده ای از آزادی ها را نیز بیان می نماید که می تواند در تبیین و تحلیل آرای امام خمینی در باب آزادی کمک فراوانی کند. افزون بر این، از بند مذکور می توان نکاتی در باب امنیت نیز استنباط کرد. در واقع افراد و گروه ها در حوزه مذکور ضمن برخورداری از امنیت، از آزادی نیز بهره مند می شوند و حوزه این دو آن چنان در هم تنیده است که قابل گسست نیست. تأکید امام خمینی بر فقدان الزام و اجبار و آزادی از هراس و تهدید، به نسبت امنیت و آزادی اشاره دارد.

البته در تعریف فوق، بیشتر جنبه منفی و سلبی آزادی و به عبارتی «آزادی از» مورد توجه امام خمینی قرار گرفته است. در نخستین مرحله از گفت و گو در باب آزادی، به وجوه سلبی «آزادی از» بیش از هر چیزی تأکید شده است. از آن جا که آزادی مثبت پس از آزادی منفی می آید، می توان به مواردی از سخنان ایشان اشاره کرد که در آنها به وجوه ایجابی آزادی نیز اشاره کرده اند:

شما امروز آزاد هستید، همه برادران و خواهران امروز آزادند و آزادانه از دولت انتقاد می کنند. از هر چیزی که بر خلاف مسیر ملت و اسلام باشد انتقاد می کنند، مسائل سیاسی را از دولت تقاضا می کنند. این نهضت شما را آزاد کرد و از آن بندهایی که بر ملت بود نجات داد. الان آزادانه در این جا مجتمع هستید و آزادانه مسائل سیاسی و اجتماعی محل احتیاج ملت را طرح می کنید. شما امروز خودتان در سرنوشت خودتان دخالت می کنید. خودتان مسائل سیاسی را طرح می کنید و از دولت می خواهید. این معنای آزادی است.<sup>۱۰</sup>

یکی از سویه های آزادی در کلام ایشان، انتقاد از مجموعه کارگزاران نظام سیاسی است، تا امور در مجاری اساسی و قانونی خویش پیش رود، راه های انحراف مسدود و راه های اصلاح هموار گردد. این امور میسر نیست، جز با تحقق امنیت. نمی توان گفت انتقاد آزاد است، اما امنیت برای انتقاد کننده فراهم نیست. در واقع، امنیت سازوکاری برای تحقق و نهادینه ساختن آزادی در فضاهای مختلف آن و به ویژه در مصادیق مورد اشاره امام خمینی است.



در پایان این بحث، اشاره به یک تعریف دیگر از آزادی ضروری است. در این مورد آزادی به استقرار امنیت تعریف شده است: «آزادی، یعنی استقرار امنیت همگان در چهارچوب قانون». بر این اساس، آزادی و امنیت دو گوهر هم‌زاد شمرده شده‌اند که با یکدیگر معنا و مصداق می‌یابند.<sup>۱۱</sup> از آنجا که این تلقی، آزادی را در استقرار امنیت تعریف کرده است، ملازمه این دو مفهوم با یکدیگر به خوبی روشن می‌شود و با این تلقی از آزادی، راه برای بحث دربارهٔ تعامل این دو مفهوم هموارتر می‌شود.

### چیستی امنیت

همواره، توسعه و پیشرفت جامعه و برخورداری از فرصت‌های اجتماعی، نیازمند بهره‌مندی از حداقلی از امنیت است. از این رو امنیت یکی از عناصر اصلی پیشرفت و تأمین و تضمین آزادی در جامعه است.

امنیت از مقولات بسیار مهم و رایج حیات بشری از گذشته‌های دور تا امروز بوده و ضمن پشت سر گذاردن تحولات عمده در گذر زمان، نه تنها اهمیت آن کاهش نیافته، بلکه هر روز بر اهمیت آن افزوده گشته و ابعاد وسیع‌تری یافته است. یکی از دلایل آن، این است که انجام بسیاری از فعالیت‌های فردی و جمعی در غیاب امنیت به واقع ناممکن است. در فقدان امنیت، آزادی نیز دست‌نیافتنی است. از این رو عده‌ای از فیلسوفان سیاسی تأسیس حکومت را برای تأمین امنیت دانسته‌اند. اختیارات گسترده‌ای که توماس هابز به حاکم واگذار می‌کند، مبتنی بر اندیشهٔ تأمین امنیت است.<sup>۱۲</sup> ریشه امنیت در لغت از امن، استیمان، ایمان و ایمنی و به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف، ترس، رعب، نگرانی و ناآرامی است. امنیت دارای ابعاد عینی و ذهنی و روانی است. به عبارت دیگر، امنیت، هم شامل اطمینان و آرامش فیزیکی و هم آرامش روحی و روانی است. با توجه به این دو بُعد: امنیت عبارت از حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌باشد.<sup>۱۳</sup>

آن چه در آغاز در بحث امنیت مطرح می‌شد، فراغت از جنگ و درگیری مسلحانه و برخوردهای خشونت‌آمیز نظامی و در نهایت دست‌یابی به صلح بود. با این تصور، تهدید نظامی مهم‌ترین عامل بر هم زندهٔ امنیت به شمار می‌رفت و به تبع آن مهم‌ترین وظیفهٔ دولت‌ها، افزایش قدرت نظامی و توان دفاعی بود. با وجود همه اهمیتی که امنیت نظامی داراست، این بُعد از امنیت، اهمیت درجه اولی خود را از دست داده و به جای آن امنیت همه‌جانبه و از جمله امنیت اقتصادی و فرهنگی بالاترین درجهٔ اهمیت را به خود اختصاص داده است. با این وجود افزایش قدرت دفاعی کشورها هم‌چنان حائز

اهمیتی بالاست. با چنین برداشتی از امنیت در دنیای امروز، می‌توان امنیت را در حوزه‌های زیر مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

**یکم) امنیت شخصی و فردی.** شامل امنیت فرد در زندگی خود و سلامت جسم و صحت فرد و شهرتش در حدود قانون است. امنیت فردی و شخصی عنصری از عناصر آزادی فرد است که آنان را از حبس، بازداشت و کیفرهای استبدادی در امان نگاه دارد. ایمن بودن افراد در موارد مذکور در چهارچوب آزادی‌های قانونی تأمین می‌شود.

**دوم) امنیت عمومی.** فعالیتی حکومتی که هدفش استقرار امنیت در کشور است و این فعالیت‌ها متضمن کارها و اعمال دفاع اجتماعی و مدنی، تنظیم عبور و مرور، رعایت آداب عمومی و اطفای حریق و... است. در این سطح، استقرار امنیت صفتی لازم برای تولید و آسایش همگانی به شمار می‌رود.

**سوم) امنیت اجتماعی یا تأمین اجتماعی.** این حوزه به دو معنا به کار برده می‌شود: نخست، مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و دولت و دوم، پیش بینی و تدارک کمک دولت برای تأمین نیازهای مردم و در نتیجه فقدان بیماری، کاهش بی‌کاری، رضایت‌مندی در سال‌مندی و... .

**چهارم) امنیت ملی.** به مجموعه توانایی‌ها و سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های یک ملت برای حفاظت از خود و ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی گفته می‌شود.<sup>۱۴</sup> البته بر اساس یک تعریف دیگر این مفهوم ارتباط نزدیکی با مباحث نوشته حاضر می‌یابد و آن، تعریف به فعالیت‌ها و تمهیداتی است که از سوی حکومت به منظور استقرار امنیت در ابعاد مختلف در کشور صورت می‌گیرد.<sup>۱۵</sup> در این صورت لازمه تحقق امنیت ملی، تحقق و استواری امنیت داخلی و عمومی است که ارتباط وثیقی با آزادی‌ها و نهادهای مدنی می‌یابد.

**پنجم) امنیت سیاسی.** مراد از امنیت سیاسی، اطمینان شهروندان به احقاق حقوقشان از سوی دولت است. افراد جامعه هنگامی که از امنیت شخصی، عمومی و اجتماعی‌شان از جانب دولت اطمینان حاصل کنند، به امنیت سیاسی دست یافته‌اند. وظیفه دولت در این مورد این است که در مراحل مختلف قانون‌گذاری، قضاوت و اجرای قوانین، بی‌طرفی خود را نسبت به شهروندان حفظ نماید و شهروندان نیز از این بی‌طرفی اطمینان حاصل کنند.

اقدام سیاسی یا اداری دولت علیه افراد و گروه‌ها، خشونت دولتی و سلب حیثیت و منزلت افراد از سوی آن از مهم‌ترین تهدیدات دولت نسبت به افراد است<sup>۱۶</sup> که به امنیت سیاسی خدشه وارد می‌سازد. مشارکت سیاسی و به طور کلی حوزه آزادی‌های سیاسی در این مورد بازتاب می‌یابد.



بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی، نیازمند حمایت و حفاظت از ناحیه دولت است که این امکان را به شهروندان، گروه‌ها و احزاب می‌دهد تا با آرامش و آسودگی از حقوق خود بهره ببرند و در فعالیت‌های سیاسی مشارکت و مطالبات خود را پی‌گیری نمایند.

در یک جمع‌بندی، باید گفت شخص آزادی را برای غایت و هدفی می‌خواهد که این هدف با توجه به مفروضات، شرایط و اقتضائات جغرافیایی و اندیشه‌ای، می‌تواند متفاوت و متنوع باشد و حوزه‌ای گسترده از مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را شامل شود.

امنیت، مصونیت از تهدید، تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است و در مورد افراد به این معناست که هراس و بیمی نسبت به بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند، حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را بدون دلیل قانونی و موجه تهدید ننماید. ضرورت امنیت در جامعه از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌گردد و لازمه حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آنها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدّیات است.<sup>۱۷</sup>

مانند بحث آزادی می‌توان به دو جنبه سلبی و ایجابی مفهوم امنیت نیز اشاره کرد. معنای سلبی امنیت، یعنی فقدان ترس، اجبار و تهدید و معنای ایجابی امنیت، یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان.

در ادامه مفهوم امنیت و برای نشان دادن ارتباط وثیق آزادی و امنیت می‌توان از تعاریفی یاد نمود که در آنها امنیت به آزادی تعریف شده است: امنیت، آزادی از عدم امنیت است.<sup>۱۸</sup> و نیز «امنیت، آزادی نسبی از تهدیدات آسیب رساننده است». تأکید بر آزادی انسان از هراس و تهدید، گونه دیگری از تعاریفی است که نشان می‌دهد امنیت به مثابه یکی از مصادیق و فضاهای گوناگون آزادی بروز و ظهور می‌یابد.

در آرای امام خمینی، امنیت، تعریف نشده است، اما گزاره‌هایی در اهمیت و ضرورت امنیت وجود دارد. ایشان امنیت را یک نعمت تلقی کرده است و در موارد متعددی آن را می‌ستایند. از جمله در یک مورد ضمن مقایسه با نظام پهلوی معتقد است، در نظام جمهوری اسلامی امنیت مردم به خوبی تأمین شده و دوران ناامنی و هراس مردم و نخبگان از حکومت و نهادهای منتسب به آن خاتمه یافته است: اینهایی که پنجاه و چند سال زیر شکنجه صبر کردند، حالا آزاد شدند. حالا دیگر خوف این که یک کسی بیاید بی‌خود بگیردشان ندارند. خوف این که یک نظامی بیاید بزند تو سرشان ندارند. یک نعمت بزرگی که به شما خداوند تعالی عنایت فرموده است که در منزلتان راحت می‌خوابید، ترس از سازمان امنیت ندارید، ترس از ارتش ندارید، ترس از حکومت ندارید.<sup>۱۹</sup>



در موارد مشابه دیگری نیز ایشان این مقایسه را انجام داده و بر این نکته تأکید کرده است که دولت در خدمت مردم است و از زورگویی و استبداد، که منشأ اصلی ناامنی و هراس و ترس عمومی در یک جامعه به شمار می‌رود، خبری نخواهد بود.<sup>۲۰</sup> در این دیدگاه، امنیت برای مردم است و در خدمت مردم است و دولت موظف است ابزارهای ناامنی و تهدید را از جامعه بزدايد و در تأمین امنیت و تأمین سلامت و به داشت روانی و ذهنی و فیزیکی افراد و گروه‌ها تلاش وافر نماید. این مسئله می‌تواند موجبات اعتماد و اطمینان مردم به حکومت و نیز مشروعیت آن را افزایش دهد و تهدیدات داخلی و خارجی حکومت را بی‌اثر سازد.

### آزادی و امنیت شخصی

یکی از مصادیق امنیت، امنیت شخصی و فردی است. در این معنا، شخص در حوزه خصوصی خود از امنیت و آزادی کامل برخوردار است و دولت نمی‌تواند بدون دلیل در این حوزه مداخله نماید. در اندیشه امام خمینی، ولی فقیه در حوزه خصوصی افراد مجاز به هیچ‌گونه مداخله‌ای نیست و در صورتی که به دل‌خواه و از روی هوا و هوس دخالت کند، از ولایت ساقط می‌شود.

افزون بر این، در کلام امام خمینی، سخنان دیگری وجود دارد که بر حفظ و امنیت حریم خصوصی انسان‌ها تأکید شده است. امام خمینی در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضائیه و دیگر ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عمل‌کردها صادر نمود، درباره عدم دخالت در حوزه خصوصی و امنیت شهروندان و آزادی‌های شخصی و فردی آنها و به ویژه امنیت قضایی به مواردی تصریح می‌کند که گویای دیدگاه ایشان در مناسبات امنیت و آزادی است. در این نامه، به دولت و کارگزاران حکومتی دستور می‌دهد که امنیت در حوزه و حریم خصوصی افراد را به دلیل «لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان‌های دولتی به ویژه دستگاه‌های قضایی و لزوم جانشین شدن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم سابق» رعایت نمایند. پاره‌ای از بندهای نامه مذکور، که به فرمان هشت ماده‌ای نیز مشهور شده است، به اختصار عبارتند از:

۱. احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی جایز نیست و تخلف از آن موجب تعزیر می‌شود.  
 ۲. تصرف در اموال منقول و غیر منقول افراد، بدون حکم شرعی، مجاز نیست. ورود به مغازه و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحبان آنان برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه ممنوع است.

۳. شنود تلفن‌ها و استماع نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست. علاوه بر این تجسس درباره گناهان دیگران و دنبال کردن اسرار مردم ممنوع و فاش ساختن اسرار آنان جرم و



گناه است.

۴. تجسس در صورتی که برای کشف توطئه و مقابله با گروه‌های مخالف نظام اسلامی که قصد براندازی دارند و کار آنها مصداق افساد در زمین است انجام شود، مجاز است. البته در صورت جواز تجسس می‌بایست ضوابط شرعی رعایت گردد و یا دستور با دادستان باشد، زیرا تعدی از حدود شرعی است.

۵. هنگامی که مأموران قضایی از روی خطا و اشتباه وارد منزل و محل کار شخصی و خصوصی افراد شوند و با آلات لهو، قمار، فحشا و مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را افشا کنند. هیچ کس محق نیست حرمت مسلمانان را هتک نماید.

۶. قضات حق ندارند حکمی صادر کنند که مأموران اجازه ورود به منزل یا محل کار افراد داشته باشند که خانه امن و تیمی نیست و در آنجا توطئه علیه نظام صورت نمی‌گیرد.<sup>۲۱</sup> در موارد فوق، مردم از امنیت و آزادی برخوردار هستند و حتی با احکام قضایی نیز این امنیت و آزادی سلب شدنی نیست، مگر در موارد مشهود و نیز مواردی که ضوابط شرعی و قانونی در آنها به طور کامل لحاظ شود.

مراد از حقوق و حوزه خصوصی، حقوقی است که به خود شهروندان بستگی دارد و دولت هیچ نقشی در این حقوق ندارد. در واقع به حقوقی که فرد به اعتبار فرد و شهروندی از آن برخوردار است حوزه و حقوق خصوصی گفته می‌شود. مانند: حق حیات، حق مالکیت، حق ازدواج، حق داد و ستد و غیره.<sup>۲۲</sup> دولت در این گونه موارد صرفاً باید به تأمین امنیت اقدام نماید و مجاز به مداخله در این حوزه‌ها نیست.

ایجاد امنیت در جامعه بر عهده نیروهای اطلاعاتی، قضایی، انتظامی و نظامی و در درجه بعد بر عهده تمامی مردم است. هنگامی که مرزهای کشور مورد تهاجم قرار گرفت، همگان باید برای دفاع برخیزند. حمایت از نیروهای مسلح، وظیفه‌ای است که مردم باید انجام دهند.<sup>۲۳</sup> این بُعد از امنیت ناظر به امنیت ملی و نظامی است.

علاوه بر حفظ مرزهای کشور از تهاجمات خارجی، فعالیت‌های سیاسی و حکومتی در داخل کشور نیز نیازمند تأمین امنیت است.

از جمله راه‌های پیشگیری از ناامنی در داخل کشور، رعایت توازن از سوی دولت در توزیع امکانات و تسهیلات و مناصب حکومتی است. تبعیض در واگذاری مناصب به افراد و گروه‌ها علاوه بر این که با آزادی فعالیت و رقابت سیاسی ناسازگار است، موجبات ناامنی و ناخشنودی را نیز در جامعه پدید می‌آورد. رفتار دولت با همه افراد و گروه‌ها و احزاب می‌بایست رفتاری برابر و یک‌سان باشد تا

همه مردم احساس امنیت و آرامش نمایند و باور کنند که دولت به عدالت در میان آنان رفتار می‌کند و آزادی و رقابت سیاسی را به یک‌سان برای آنان جایز می‌شمرد و شرایط آن را برای همگان به یک‌سان تأمین و تضمین می‌کند.

ملاحظه می‌شود در برخی موارد تأمین امنیت و برخورداری از آزادی از طریق تحقق عدالت میسر است. همان‌گونه که در بسیاری از موارد، تأمین عدالت منوط به وجود امنیت در جامعه است؛ به عبارت بهتر این دو لازم و ملزوم یک‌دیگرند. ابتکار و خلاقیت و شکوفایی استعداد های افراد تنها در سایه آسایش فکر و امنیت جان، مال، ناموس و ایجاد فرصتی امن و برابر برای همگان امکان‌پذیر است. از این رو، امام خمینی به دستگاه‌های قضایی و مأموران اطلاعاتی، امنیتی و حکومتی توصیه‌هایی برای مراعات امنیت مردم دارد:

از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم‌انگیزی در آمده بود با جدیت سر و سامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آن چه نزد آنان مطرح نیست، عدالت اسلامی است، از این کرسی پر اهمیت کوتاه کنند.<sup>۲۴</sup>

امنیت فردی در حوزه قضایی و دادگری از مصادیق مهم امنیت به شمار می‌رود. قضاوت، با جان، مال و آبروی مردم سروکار دارد.

در راستای تأمین امنیت فردی، مأمورین قضایی، امنیتی و اطلاعاتی از تفتیش منازل مردم منع شده‌اند. هم‌چنین امام خمینی، دولت را از روی آوردن به افراط و تفریط در انجام وظایفش بر حذر می‌دارد:

نباید با مردم بدرفتاری کرد، نباید داخل منازل مردم ریخت، مردم باید در خانه‌هایشان مطمئن باشند، در زندگیشان، کسب و تجارتشان اطمینان داشته باشند، دولت اسلامی موظف است مردم را مطمئن نماید در همه چیز، در سرمایه‌هایشان، در کسب و کارشان، دولت حق ندارد به آنها تعدی نماید.<sup>۲۵</sup>

باید توجه نمود که هر رفتاری از سوی دولت اسلامی، به حساب اسلام گذاشته می‌شود. چه بسا رفتارهای خلاف قانون دولت و کارگزاران و گروه‌ها که سبب انزجار مردم نسبت به احکام اسلام شود. از این رو ایشان، به کارگزاران حکومتی توصیه می‌نماید به گونه‌ای با مردم رفتار کنند که آنان احساس امنیت و آرامش نمایند. از این رو معتقد است نباید حتی نسبت به افرادی که به تازگی مسلمان شده یا توبه کرده‌اند سخت‌گیری نمود، بلکه حال فعلی آنان ملاک است و گذشته آنان به حساب نمی‌آید.<sup>۲۶</sup>

۱۴۱ امنیت مورد نظر امام خمینی، هم بُعد روانی امنیت و هم بعد فیزیکی آن را شامل می‌شود. ایشان



به همه ابعاد امنیت افراد، اعم از امنیت شخصی (حفظ آبرو و حیثیت افراد و سلامت جسم آنان و در کل امنیت در حوزه خصوصی)، امنیت عمومی (فعالیت منظم و دقیق مأمورین انتظامی و...)، امنیت اجتماعی (مصونیت افراد جامعه از تهدیدات مأموران دولتی و قضایی) و امنیت ملی (دفاع از تمامیت ارضی کشور) و نیز امنیت اقلیت‌های دینی<sup>۲۷</sup> توجه داشته است و آن را مقدمه‌ای بر دست‌یابی افراد به حقوق خویش و تحقق عدالت و آزادی در جامعه می‌داند.

### آزادی و امنیت اقتصادی

توزیع عادلانه ثروت در جامعه در برقراری و تحقق امنیت، نقش مهمی ایفا می‌کند و در مقابل، توزیع ناعادلانه ثروت موجبات ناامنی را در جامعه فراهم می‌سازد. از این رو در چنین شرایطی فعالیت آزادانه در امور اقتصادی نیز دچار اختلال می‌شود و شرایط ناسالم و ناعادلانه و در نتیجه ناامنی فراهم می‌گردد. مسائلی از قبیل ناهماهنگی و اشکال در تولید، توزیع و مصرف در ناامنی اقتصادی تأثیرگذار است. هم‌چنین برخی افراد یا گروه‌ها راه‌هایی را برای کسب ثروت به کار می‌گیرند که در عمل موجب ناامنی و محرومیت افراد زیادی از حقوقشان می‌شود. به طور کلی، سوء تدبیرهای دولت و رفتارهای خلاف قانون و ناعادلانه برخی افراد و گروه‌ها، از اسباب اصلی فقدان امنیت اقتصادی در جامعه است. برای تحقق امنیت اقتصادی و فراهم نمودن شرایط بهره‌مندی از آزادی اقتصادی، دولت می‌بایست مردم را در فعالیتهای اقتصادی مشارکت دهد و تسهیلات سرمایه‌ای و تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها را تضمین کند. افزون بر این، همه افراد جامعه که در سنین کار کردن به سر می‌برند، باید از شغل متناسب برخوردار باشند، چرا که بی‌کاری علاوه بر این که باعث گسترش فقر می‌گردد، ناامنی را به همراه دارد و معضلی اجتماعی به شمار می‌رود.

مداخله دولت برای تأمین امنیت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی و تضمین آزادانه این گونه فعالیت‌ها می‌تواند به شکل‌های نظارت، قانون‌گذاری و اجرای طرح‌های اقتصادی صورت گیرد. افزون بر اموری که دولت به طور ایجابی بر عهده دارد، سازوکارهای سلبی را نیز می‌تواند در جهت بهبود امنیت فعالیت آزادانه اقتصادی به کار گیرد، همانند مبارزه با فساد اداری، رشوه، ربا، استثمار در بخش تولید و مقابله با احتکار و گران‌فروشی و سرقت اموال عمومی در قسمت توزیع و هم‌چنین جلوگیری از اسراف و اتلاف منابع کشور.

تأمین اجتماعی علاوه بر حل نیازهای مادی افراد، رفاه معنوی آنان را نیز مد نظر قرار می‌دهد. بر اساس این امر:

شخص در هر شغل و مقامی از آینده خود و خانواده‌اش نگرانی نداشته و برای تأمین آینده

ناچار از کار بدون وقفه و دست زدن به هر عملی برای کسب پول و تأمین آتیه خود نمی‌گردد.<sup>۲۸</sup>

یکی از راه‌های تأمین امنیت اقتصادی، حضور مداوم مردم در این فعالیت‌هاست: در جامعه اسلامی باید کوشش شود دولت همه مصالح مردم را مورد توجه قرار بدهد و تأمین کند، ولی از سوی دیگر کارها هر چقدر ممکن است کمتر دولتی شود.<sup>۲۹</sup>

یکی از مسائلی که موجبات امنیت را در جامعه فراهم و فعالیت آزادانه اقتصادی را در جامعه ایجاد می‌نماید، اشتغال زایی است. در نگاه امام خمینی، دولت موظف است برای همه افراد، کار فراهم و ابزار و شرایط انجام کار را نیز تأمین نماید. بنا به توصیه ایشان، اعطای وام قرض الحسنه به افراد بی‌کار سبب می‌شود، فرد برای پرداخت طلب خود دست به تلاش زند و در نتیجه هم وام اعطایی را بازگرداند و هم از مازاد آن استفاده نماید.<sup>۳۰</sup> کار و تلاش اقتصادی، هسته مرکزی و محرک تولید است. تا فعالیت و تلاشی صورت نگیرد، هیچ هدفی دست یافتنی نیست. هر فرد باید ایمان داشته باشد که در هر جایگاهی که قرار دارد و هر شغلی که دارد، می‌تواند در پیش‌برد امور، مؤثر واقع شود.<sup>۳۱</sup> یکی از دلایل مخالفت امام خمینی با ربا، علاوه بر منع شرعی، این است که عامل ناامنی اقتصادی است و موجبات بیکاری را فراهم می‌آورد. زیرا برخی از افراد بدون انجام فعالیت اقتصادی به ثروت هنگفتی دست می‌یابند در حالی که استحقاق استفاده از آن ثروت را ندارند.<sup>۳۲</sup>

در بخش توزیع، امام خمینی هم به مسئله برابری و هم رعایت حقوق افراد توجه می‌کند و معتقد است توزیع عادلانه، زندگی همه مردم کشور را بهبود خواهد بخشید.<sup>۳۳</sup> در زمینه توزیع تسهیلات رفاهی و بهداشت عمومی، تصریح می‌کند که:

حق ندارد حاکم و ولی امر، یک ناحیه را بیشتر توجه کند، یک طرف از کشور را زیادتر از طرف دیگر کشور آباد کند. حق ندارد حتی یک جایی را کم‌تر از جای دیگر خیابان کشی یا آسفالت کند.<sup>۳۴</sup>

این از مواردی است که موجبات فراهم آمدن امنیت و تداوم امنیت در جامعه می‌شود. بنابراین تحقق عدالت به تحقق امنیت کمک می‌کند.

یکی از وظایف مهم دولت در سالم سازی و فراهم آوردن محیط امن و آرام برای فعالیت‌های اقتصادی، مقابله با رشوه، ربا، احتکار، گران‌فروشی، سرقت اموال عمومی و اتلاف و اسراف منابع کشور است. ایشان ابتدا از بازاریان و تجار درخواست می‌کند تا به این اعمال مبادرت ورزند، اما در صورت بی‌اعتنایی آنها دولت را موظف به پی‌گیری می‌کند. محور اصلی در فعالیت‌های اقتصادی، قانون است. اما عواملی چون حرص و طمع و تنگ‌نظری و نیز حاکم شدن فرهنگ مصرفی بر جامعه، مانع



از متابعت از قانون می‌گردد. به نظر امام گرچه تجارت و فعالیت اقتصادی برای مردم آزاد است، اما نظارت دولت و تعیین نوع و قیمت کالاها از بسیاری مسائل جلوگیری می‌کند.<sup>۳۵</sup>

به هر حال نباید از یاد برد که یکی از مقدمات مهم انجام هر فعالیت آزاد اقتصادی، آرامش و امنیت است که پشتوانه همه بخش‌های اقتصاد، اعم از تولید، توزیع و مصرف به شمار می‌رود.<sup>۳۶</sup> دولت موظف به ایجاد محیط امن اقتصادی و اطمینان دادن به مردم از وجود چنین امنیتی است.

یکی از مسئولیت‌های دولت در راه رسیدن به امنیت اقتصادی، تأمین اجتماعی است. هدف اساسی تأمین اجتماعی علاوه بر برابری در میان افراد، ایجاد امنیت است. از این رو سطح زندگی افراد نباید چنان از هم فاصله داشته باشد که یک نفر از همه امکانات و ثروت‌ها برخوردار و دیگری به نان شب خود محتاج باشد.<sup>۳۷</sup> یکی از دلایل تأکید امام برای خودکفایی و تولید نیازمندی‌های ضروری مردم، برخورداری عموم از زندگی مناسب‌تر است تا توازن در جامعه برقرار گردد.

### آزادی و امنیت فرهنگی

در کنار ایجاد شرایط مطلوب برای فعالیت‌های آزاد اقتصادی می‌بایست بر تحقق امنیت فرهنگی برای آزادی‌های فرهنگی نیز تأکید کرد. این مسئله هم در سطح کلان و هم در سطح خرد مورد توجه است. به عبارت دیگر، دولت می‌بایست محیط فرهنگی مساعد و مناسبی برای پرورش فکری و روانی آحاد افراد جامعه به وجود آورد. وجود آزادی اندیشه و آزادی بیان در قالب‌های گوناگون، برای همه افراد و قشرهای مختلف و تأمین برابر و یک‌سان امکانات فرهنگی برای پیشرفت‌های فکری و پژوهش‌های علمی به ویژه در رشته‌های علمی علوم انسانی، سبب تأمین امنیت فرهنگی می‌گردد. ایجاد نظام فکری مطلوب و پیدایش هویت عمومی منسجم اعضای جامعه و انسجام و هم‌بستگی آنان سبب تأمین جو فرهنگی مساعد در کشور در سطح کلان خواهد گردید. پوچی، بی‌ارادگی، بی‌هویتی، سردرگمی و بی‌هدفی، فرار سرمایه‌های فکری و متخصص، ترس از ارائه نظر و فقدان گفت‌وگوهای آزاد و رکود و جمود فکری جامعه از نتایج ناامنی فرهنگی است.

ناامنی فرهنگی، آفتی است که راه پیشرفت و ترقی جامعه را بسته، کند و یا محدود می‌کند و جامعه در جهالت و نادانی و ناآگاهی افزون فرو می‌رود. ضمن این که فضای بهره‌مندی از آزادی و تبادل اندیشه و تضارب آرا نیز مخدوش می‌شود.

فرهنگ، محوری‌ترین و اساسی‌ترین عنصر اندیشه امام خمینی را شکل می‌دهد. به طوری که ایشان تغییر و تحول در هر بخشی از جامعه را از راه تحول در فرهنگ ممکن می‌داند. زیرا عنصر فرهنگ، جامعه را به سمت پیشرفت و یا انحطاط سوق می‌دهد. از این رو برای رسیدن به پیشرفت

و کام‌یابی، توجه به فرهنگ اهمیت ویژه‌ای دارد:

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است، اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرت‌مند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است.<sup>۳۸</sup> راه اصلاح یک مملکتی، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود.<sup>۳۹</sup>

با توجه به سخنان فوق امنیت فرهنگی، مقدم بر امنیت سیاسی و اقتصادی است. فرهنگ، با اندیشه و باور و ذهن افراد سروکار دارد و اساس هر تحولی است. از این رو به نظر می‌رسد آزادی‌های فرهنگی و تبادل آزادانه فکر و تربیت صحیح اسلامی از نگرگاه امام خمینی از ابزارهای تأمین امنیت در جامعه است. از نگاه وی هدف تمامی ادیان الهی تصحیح رفتار و اعمال و اعتقادات بشر است تا به محاسن اخلاقی مزین شود.

انسان دین دار به قوانین الهی احترام می‌گذارد، و اصولاً هدف تشریح قوانین اسلام، برقراری نوعی نظم اجتماعی آزاد و عادلانه است که باعث پرورش انسان‌های مهذب می‌گردد.<sup>۴۰</sup> مبارزه با ظلم و جهل و بی‌عدالتی و ناامنی هنگامی ممکن است که نسبت به آنها آگاهی وجود داشته باشد. آگاهی و معرفت از لوازمی است که برای تحقق آزادی‌های فرهنگی و امنیت در حوزه فرهنگ ضروری است. دانش و معرفت پس از طی مراحل گوناگونی حاصل و در نخستین مرحله از خانواده آغاز می‌شود. به اعتقاد امام خمینی:

بچه وقتی در دامن مادرش هست، می‌بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق‌ها مؤثرتر است، تربیت می‌شود.<sup>۴۱</sup>

تحقق تعادل و امنیت روحی و روانی فرد از طریق خانواده آغاز و در مدرسه کامل تر می‌گردد. آموزش عمومی برای همگان نیز از اصول مورد توجه امام خمینی است.<sup>۴۲</sup> رشد عقلی افراد در دوره مدرسه شکل می‌گیرد، به همین دلیل بایستی کودکان را از همان دوران کودکی به خوبی تربیت نمود تا خواهان تحقق آزادی و امنیت باشند. به باور ایشان، سبب بسیاری از ناکامی‌های ایران و ضعف در برابر قدرت‌های بیگانه و تحمیل قراردادهای ظالمانه بر کشور بی‌توجهی به مسئله تعلیم و تهذیب کودکان، نوجوانان و جوانان در مدارس و دانشگاه‌ها بوده است.<sup>۴۳</sup>

نکته دیگر، مسئله برابری افراد در تعلیم است، به صورتی که از جمله اسباب عقب ماندگی مراکز تعلیم و تربیت، نابرابری در استخدام اساتید و تعلیم‌دهندگان است. این مسئله به طور واضحی به



نامنی در جامعه منتهی می شود و فضای فرهنگی و حوزه آزادی های فرهنگی را آلوده می سازد. در باب مراکز اطلاع رسانی و رسانه های گروهی نیز امام خمینی معتقد است رادیو و تلویزیون یک دانشگاه عمومی است که باید مردم را تربیت کند و همه افرادی که آگاهی و توانایی دارند باید از فرصتی برابر با دیگران برخوردار باشند تا بتوانند برای رساندن طرح ها و پیشنهادات خود به مردم بهره گیرند.<sup>۴۴</sup> طبق این سخن امام، رسانه های عمومی خبری علاوه بر ارتقای آگاهی عمومی، وظیفه انتقال دیدگاه های مردم را نیز عهده دار هستند. افزون بر آن، صدا و سیما را مرکزی برای دفاع از حقوق مظلومان و راهی برای تحقق امنیت و آزادی می داند.<sup>۴۵</sup> لازمه این مطلب این است که مردم و گروه ها امکان دفاع از حقوقشان را در صدا و سیما داشته باشند و تضارب آرا محقق شده باشد.

هم چنین یکی از زمینه های تحقق آزادی و پاسداری از امنیت، امکان برخورداری از آزادی قلم و بیان در مطبوعات است تا اطلاعات و حقایق به صورت واضح و صحیح به مردم منتقل شود. روزنامه ها می بایست در خدمت مردم باشند و آنان را در جریان مسائل مختلفی که در جامعه می گذرد، قرار دهند. یکی از وظایف آنان دفاع از مستضعفین و مظلومین و زدودن ترس و تهدید از چهره جامعه است.<sup>۴۶</sup>

مطبوعات و اهل قلم، می توانند امنیت فرهنگی را به نحو مطلوبی در جامعه ایجاد نمایند. ایشان توصیه می کند:

نویسنده های ما، گویندگان ما، همه شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند، مایوس نکنند ملت را، بگویند توانا هستیم، نگویند ناتوان هستیم، بگویند خودمان می توانیم.<sup>۴۷</sup>

علاوه بر ایجاد آرامش و اطمینان، مطبوعات نباید فضای کشور را متشنج و پر هرج و مرج نشان دهند. بلکه موظفند از تیرهایی که سبب تحریک و تضعیف مردم می گردد و یا مخالف واقعیت است، پرهیز نمایند.<sup>۴۸</sup>

از مصادیق بارز امنیت فرهنگی، برخورداری از آزادی سیاسی است. اگر آزادی نباشد، افراد و گروه ها نمی توانند به راحتی اندیشه و نظر خود را منتقل نمایند و در نتیجه، قدرت ابتکار و خلاقیت افراد از بین می رود. امام خمینی آزادی مردم در اظهار عقیده و نظرشان را از خصوصیات یک مملکت متمدن می داند.<sup>۴۹</sup> هم چنین از اهل قلم می خواهد که به مردم بگویند:

اسلام برای ملیت خاصی نیست و ترک و فارس و عرب و عجم ندارد. اسلام متعلق به همه است و نژاد و رنگ و قبیله و زبان در این نظام ارزش ندارد.<sup>۵۰</sup>

به نظر می رسد در این سخن، امام خمینی به مردم اطمینان می دهد که فعالیت های فکری و



جسمی آنها و حقوقی که در جامعه دارند، پایمال نمی‌گردد، بلکه آنان با اطمینان و آرامش و در کمال امنیت می‌توانند فعالیت‌های فکری و اجتماعی خود را انجام دهند.

### خاتمه

در نسبت میان آزادی و امنیت توجه به این مسئله حائز اهمیت است که امنیت برای خدمت به جامعه و تأمین و تضمین آزادی است و نه صرفاً برای دولت و حاکمان و اصحاب قدرت. برای نهادینه ساختن مناسبات آزادی و امنیت و تعامل این دو لازم است مجموعه قوانینی وضع و به اجرا گذارده و نهادهایی تأسیس شود تا با تأمین امنیت در همه سطوح، بر این مسئله نظارت و تأمین آزادی را به طور مداوم ضمانت نماید. هم‌چنین لازم است به مشارکت و رقابت فعال در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی توجه مناسبی صورت گیرد و باید فضای امنیتی جامعه به سمتی هدایت شود تا تکثر بی‌ببرد و به مثابه یک اصل اساسی مورد توجه و مبنای عمل هر فعالیتی قرار گیرد.

میل به دستیابی به امنیت و آزادی در حوزه‌های گسترده آن دو نیازمند توجه و تأکید بر قانون اساسی است. قانون به منزله چهارچوبی بنیادین، نظام فلسفی خاصی را سامان می‌دهد که بر اساس آن نیل به آزادی و امنیت فراهم می‌شود. با این وصف، تمرکززدایی از قدرت و تفکیک قوا و توزیع قدرت، شرایطی را فراهم می‌سازد تا نیل به آزادی و امنیت به صورت توأمان پدید آید. در ذیل نظریه تفکیک قوا دو اصل تنظیم‌کننده نظارت و توان نهفته است که فضا را به سمتی هدایت می‌کند که در آن نیل به آزادی و امنیت در شرایط سهل‌تری امکان می‌یابد. در واقع اساس تفکیک و توزیع قوای حکومتی، ریشه در حفاظت از آزادی و محدود ساختن استبداد داشته است. چنان که در سخنان امام خمینی نیز به وضوح بر آن تصریح و تأکید شده است.

به نظر می‌رسد که اجماع نخبگان بر روی آزادی و امنیت می‌تواند در تثبیت و نهادینه ساختن آن دو در جامعه نقش مهمی ایفا کند و آزادی و امنیت به صورت مطلوب‌تری تأمین شود. به رغم این که امام خمینی به درستی معتقد به بدیهی بودن مفهوم آزادی است، اما تلقی‌های مختلفی از آن وجود دارد که گاه با نگاهی سطحی به آزادی همراه است و گاه نگره‌هایی در آن می‌توان یافت که با فرهنگ و آداب و رسوم جامعه ما متفاوت است. در چنین شرایطی شاید نتوان در عمل، تعامل آزادی و امنیت را مشاهده نمود، بلکه به نوعی حتی تقابل این دو نیز مشاهده شود.

از این رو دیدگاه تعامل‌گرایانه در باب آزادی و امنیت زمانی در عمل مشهود خواهد بود که اجماعی نسبت به این مفاهیم در میان نخبگان شکل بگیرد. افزون بر آن چه در تعامل آزادی و امنیت ذکر شد، به باور امام خمینی راه رشد و ترقی و پیش‌رفت جامعه نیز مبتنی بر داشتن امنیت و برقراری آرامش در

جامعه است:

خود شما باید همراهی کنید تا... مملکت آرام بشود. وقتی آرام شده، آن وقت می‌شود این را مثلاً تعمیر کرد، این را اصلاح کرد، آب درست کرد، آسفالت درست کرد، مدرسه درست کرد. همه چیزها تابع این است که یک آرامشی باشد. ان شاء الله امیدوارم که این آرامش پیدا بشود.<sup>۵۱</sup>

البته در این زمینه نیز دشواری‌هایی احساس می‌شود. در زمینه پیش‌رفت و ارتباط امنیت و آزادی برخی از صاحب‌نظران معتقدند که اگر پرسیده شود، محتوای پیش‌رفت چیست یا به عبارت دیگر در چه مواردی دگرگونی‌های زندگی اجتماعی ذیل عنوان پیش‌رفت قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که این محتوا در غالب موارد عبارت است از آزادی، استقلال سیاسی و کاربرد عقلانی نیروهای طبیعت که باید افزایش آسایش و امنیت و کاهش بیماری و گرسنگی را در پی داشته باشد. چیزی که مسئله را بغرنج می‌کند این است که در عمل، دست کم در مراحل ابتدایی، مشاهده می‌شود که این هدف‌ها در تعارض با یک‌دیگر قرار می‌گیرند: استقلال سیاسی لزوماً آزادی را تأمین نمی‌کند و آزادی هم غالباً باعث فرو افتادن میزان آسایش و امنیت می‌گردد.<sup>۵۲</sup>

به هر حال باید توجه داشت که آزادی یک ضرورت است؛ ضرورتی که برگرفته از زندگی آدمی است. زیرا انسان تنها موجود صاحب اختیار و اراده است که می‌تواند با تفکر و تأمل، تصمیم‌گیری نماید و در نهایت به انجام کاری مبادرت و یا از انجام کاری اجتناب ورزد. اگر آزادی، در فقدان امنیت، از آدمی دریغ شود، جوهره انسان که انتخاب و اختیار آگاهانه و آزادانه همراه با مسئولیت است، زمینه بروز ندارد. در این صورت چه انتظاری می‌توان از یک موجود فاقد اراده و آزادی داشت! آیا می‌توان او را مسئول انجام اعمالی که مرتکب می‌شود، دانست؟<sup>۵۳</sup>



## پی‌نوشت‌ها

۱. سید حسین سیف زاده، *مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست*، چاپ نخست (تهران: دادگستر، ۱۳۷۹) ص ۶۷، ۶۸ و ۱۷۱.
۲. همان، ص ۶۸، ۶۹ و ۱۷۳.
۳. اندرو لواین در نقد لیبرال دموکراسی‌ها بر این باور است که: «اگر فقط با چشمی باز به پیرامون خود بنگریم خواهیم دید که شهروندان دولت‌های لیبرال دموکراتیک از اکثر مزایای پیش بینی شده یک حیات سیاسی اصالتاً دموکراتیک و حتی از بسیاری محاسن آزادی نیز محروم هستند. از این مهم، ضروری‌ترین است که لیبرال دموکراسی‌ها، امروزه، هم چون گذشته، خطرات فزاینده عظیمی برای صلح و نظم بین‌المللی ایجاد می‌کنند.» *طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی*، ترجمه سعید زیباکلام، چاپ نخست (تهران: سمت، ۱۳۸۰) ص ۳۲. گفتنی است کتاب لواین در سال ۱۹۸۱ منتشر شده است.
۴. وضع قانون مذکور در ایالات متحده آمریکا و اعطای اختیارات گسترده به رئیس‌جمهور و نهادهای امنیتی، امروزه، موجب بگو مگوهای مختلفی شده است. برای مطالعه و نقد این قانون بنگرید به: «آزادی و امنیت» سخنرانی ال‌گور در انجمن قانون اساسی آمریکا، ۹ نوامبر ۲۰۰۳، ترجمه لطف‌الله میثمی، نشریه نامه، شماره ۳۰، خرداد و تیر ۱۳۸۳. و نیز: حمید مولانا، «امنیت و آزادی‌های مدنی»، *کیهان*، بیست و نهم خرداد ۱۳۸۳.
۵. برای مطالعه یک دیدگاه در این باره ر.ک: داود رادمند، «امنیت و آزادی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۱۴-۲۲۳.
۶. البته برخی از پژوهش‌گران نیز از اهمیت و اولویت امنیت بر سایر ارزش‌ها سخن گفته‌اند. ر.ک: اصغر افتخاری، «حوزه ناامنی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۳۷۸، شماره ۳، ص ۱-۲۰.
۷. آیزایا برلین، *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه محمدعلی موحد (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸) ص ۲۳۴.
۸. آیه الله بهشتی با درک آنچه که مردم برای آن قیام کرده بودند، بزرگ‌ترین و چشم‌گیرترین مؤلفه انقلاب اسلامی ایران را دست‌یابی به آزادی‌های اجتماعی در جامعه می‌داند. سید محمد حسینی بهشتی، *بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت* (مجموعه سخنرانی‌ها)، تهران: ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر،



- بی تا، ص ۱۱.
۹. امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۹، ص ۸۸.
۱۰. همان، ج ۷، ص ۲۶۲.
۱۱. نک. به: مسعود رضایی، «آزادی و امنیت دو گوهر همزاد»، *هفته نامه ارزش ها*، شماره هفتاد و یک، به نقل از داود رادمند، پیشین، ص ۲۱۷.
۱۲. نک. به: توماس هابز، *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹).
۱۳. باری بوزان، *مردم، دولت ها، هراس*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸) ص ۵۲.
۱۴. احمد امیدوار، *امنیت - امنیت ملی، ابعاد نظری و راهبردی های عملی* (مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروهای انتظامی) (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۷۹، ص ۷۸ و ۷۹) در مقالات این منبع، جمع بندی خوبی در تحلیل مباحث امنیتی آمده است.
۱۵. همان، ص ۸۱.
۱۶. باری بوزان، *پیشین*، ص ۶۱.
۱۷. احمد امیدوار، *امنیت - امنیت ملی، ابعاد نظری و راهبردی های عملی*، پیشین، ص ۸۱.
۱۸. تعاریف مذکور افزون بر تعاریف دیگری از امنیت از دیدگاه اندیشمندان مختلف در اثر ذیل گرد آمده اند: محمدرضا تاجیک، *مقدمه ای بر استراتژی های امنیت ملی ج.ا.ا. رهیافت ها و راهبردها* (تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰) ص ۴۳.
۱۹. *صحیفه امام*، ج ۶، ص ۲۵۶، هفتم اسفند ۱۳۵۷. و نیز ر.ک: ج ۶، ص ۳۹۵ و ج ۹، ص ۲۳۵.
۲۰. «دیگر قضیه سازمان امنیت در کار نیست، زجرهای سازمان امنیت در کار نیست، دیگر نمی توانند پاسبان ها به ما زور بگویند و به ملت ما زور بگویند. دیگر نمی تواند دولت به ملت زور بگوید، دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار ملت باشد». *صحیفه امام*، ج ۶، ص ۴۶۳، دوازده فروردین ۱۳۵۸. و نیز ج ۷، ص ۷، بیست و چهار فروردین ۱۳۵۸.
۲۱. موارد مذکور از بندهای چهارم تا هفتم فرمان امام خمینی استخراج شده اند. ر.ک: *صحیفه نور*، ج ۱۷، ص ۱۰۵-۱۰۷. برای تبیین مبسوط این بحث بنگرید به: مهدی مهریزی، دولت دینی و حریم خصوصی، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال چهارم، تابستان ۱۳۷۸: شماره ۱۲، ص ۴۵-۶۹.
۲۲. ناصر کاتوزیان، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، چاپ شانزدهم (تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۲) ص ۲۷۳؛ محمدجعفر جعفری لنگرودی، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ هفتم (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴) ص ۲۳۶ و ۲۳۸.

۲۳. امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۸، ص ۹۲.
۲۴. همان، ج ۲۱، ص ۱۸۸.
۲۵. همان، ج ۱۷، ص ۱۱۸.
۲۶. همان.
۲۷. درباره تأمین امنیت برای اقلیت‌های دینی بنگرید به: *صحیفه امام*، ج ۴، ص ۴۴۱ و ج ۵، ص ۲۹۲ و... .
۲۸. مهدی طالب، *تأمین اجتماعی* (تهران: بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۶۸) ص ۴۴.
۲۹. سید محمد حسینی بهشتی، *اقتصاد اسلامی* (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲) ص ۱۲۱. نیز ر.ک: نجمه کیخا، «سازوکارهای تحقق عدالت اقتصادی از منظر امام خمینی»، *فصلنامه حضور*، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۸۱.
۳۰. امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۲، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.
۳۱. همان، ج ۱۷، ص ۱۵۵.
۳۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۲.
۳۳. همان، ج ۳، ص ۱۵۶.
۳۴. همان، ج ۱۱، ص ۲۶.
۳۵. همان، ج ۲۱، ص ۳۷.
۳۶. همان، ج ۱۴، ص ۱۸۲.
۳۷. همان، ج ۸، ص ۳۶.
۳۸. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۰.
۳۹. همان، ج ۱، ص ۹۷.
۴۰. امام خمینی، *کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها* (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲).
۶۳. نیز ر.ک: نجمه کیخا، «سازوکارهای تحقق عدالت فرهنگی در اندیشه امام خمینی»، *فصلنامه حضور*، شماره ۴۶، پاییز ۱۳۸۲.
۴۱. امام خمینی، *کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها*، ص ۲۵.
۴۲. امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۱، ص ۱۲۱. (۵۸/۱۰/۷).
۴۳. همان، ج ۲۱، ص ۱۹۲. (۶۸/۳/۱۵).
۴۴. همان، ج ۵، ص ۲۰۳.
۴۵. همان، ج ۱۹، ص ۹.
۴۶. همان، ج ۱۹، ص ۱۰۲. (۶۳/۱۱/۲۳).

۴۷. همان، ج ۱۳، ص ۲۸۶.
۴۸. همان، ج ۸، ص ۲۸۲ و ۲۸۵، (۵۸/۶/۶).
۴۹. کوثر، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، همراه با شرح وقایع انقلاب (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۳۴۶، ۵۷/۸/۲۸.
۵۰. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۲، (۵۷/۹/۱۶).
۵۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۷، بیست و هفت شهریور ۱۳۵۸.
۵۲. ارنست کاسیرر، فلسفه روشن‌اندیشی، ترجمه نجف دریابندری، چاپ نخست (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۲) ص ۲۱. از پیش‌گفتار مترجم.
۵۳. مقاله حاضر بخشی از پژوهشی است که در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی برای گروه سیاست و اجتماع انجام گرفته است.

